

گلابه ای از کتابخانه عمومی و دانش گستر! آستان قدس رضوی

بر محققان پوشیده نیست که صحت و اتقان در کار تصحیح و تحقیق متون علمی گذشته، علاوه بر عبقریت محقق و اشرف وی بر متن مورد کار، مرهون در اختیار داشتن نسخ صحیح و اقدم و نیز کثرت آنهاست. از این رو هر محقق را بایسته است که از وجود نسخ خطی یک متن در نقاط مختلف کاوش به عمل آورد. از این رو انتشارات حکمت در پی اقدام به تصحیح انتقادی و تحقیق دقیق کتاب «شفاء» تألیف شیخ الرئیس ابوعلی سینا - ره - بر آن شد که نسخه های کهن را جهت این مهم شناسایی نماید.

در این میان نسخه ای که مربوط به قرن ششم هجری و مربوط به کتابخانه آستان قدس رضوی بود، جلب توجه نمود. لذا در اوایل سال ۱۳۶۹ درخواستی جهت دریافت نسخه ای عکسی از آن نسخه خطی توسط یکی از دوستان و همکاران گرامی تقدیم داشت. ولی متأسفانه با مراجعه های مکرر، پاسخی دریافت ننموده تا اینکه در تابستان ۱۳۷۰ با مراجعه حضوری ایشان در کتابخانه مذکور پس از

چند روز پاسخی دریافت داشت مبنی بر اینکه: این نسخه جزء نفایس است و شورای نشر نفایس باید بر آن اقدام نماید و پس از تشکیل شورا نظر بر این شده که خروج کتاب از حیطه کتابخانه و بنیاد پژوهشهای آستان قدس ممنوع است. (در حالی که تقاضای عکس شده بود نه اصل کتاب.) سپس گفته شده بود که بنیاد پژوهشها بر آن شده است که از عین نسخه عکس گرفته و آن را به همه دانش پژوهان عرضه کند.

در اینجا جای چند سؤال باقی است:

۱- آیا با تصحیح انتقادی و تحقیقی در این اثر، چه لطمه ای به این نسخه و نشر عکس آن می خورد؟

۲- آیا تاکنون بنیاد پژوهشها اثری فلسفی بر این پایه به چاپ رسانده است؟
۳- تا کی باید منتظر ماند تا عکس این نسخه نشر شود و بتوان از آن استفاده کرد؟

۴- آیا بنیاد پژوهشها تاکنون اثری علمی به صورت عکس نسخه ها چاپ نموده که این اثر، دومی آن باشد؟

۵- انتشار عکس نسخه چه ربطی به انتشار یک متن تحقیق شده حروفی از یک

کتاب دارد؟

۶- اگر قصد بر آن است که کتاب تحقیق کنند، آیا تا به حال اقدام شده نه؟ اگر شده این مؤسسه را هم مطلقاً سازند تا کار تکراری انجام نگیرد. و اگر نشده و حال عزم بر آن کرده اند که: *والفضل لمن سبق.*

۷- کتابهای آن کتابخانه عمومی اسس و طبق شرع و عرف، اصل یا عکس باید در اختیار طالبین قرار گیرد. و اگر بهانه ضایع شدن نسخه این منع انجام می گیرد، باید دانست که تحویل عکس هیچ معنی نباید داشته باشد.

۸- تنها این نسخه نیست که منع از آن شده است؛ بلکه چند سال پیش نیز توسط همین مؤسسه، تقاضایی برای عکس نسخه غیر نفیسی از ترجمه اربعین شهبهایی - ره - از آن مرکز داشت که بهانه های واهی از قبیل اینکه: به این شرط که کار در اختیار بنیاد پژوهشها اسلامی قرار گیرد، یا داروی ظهور فیور نداریم و ... نسخه را دریغ داشتند.

کوتاه سخن که این گونه عملکردها نه مصلحت فرهنگی عموم جامعه است نه مصلحت آن مرکز مقدس بیاییم

کتابخانه‌های دنیا بیاموزیم که چگونه عکس نسخه‌های بسیار نفیس خود را بی هیچ منت در اختیار طالبین کشورهای بیگانه قرار می‌دهند. ولی متأسفانه در این کشور مهد علم و تمدن و دین و فرهنگ، کتابهای عمومی، نه از عموم مردم، که از محققان کارآمد این مرز و بوم هم دریغ می‌گردد؛ آن هم نسخه کتاب بسیار علمی و فنی که ویژه اخص خواص می‌باشد! گویا رسالت خود را در عهده داری این امر شریف به فراموشی سپرده ایم و اموال عمومی را ملک طلق خویش می‌دانیم.

در خاتمه یادآور می‌شود که این گلابیه از مسؤلین گرانقدر آن مرکز مقدس نیست که انتقادی کلی است از نوع عملکردهایی که در این گونه مراکز علمی صورت می‌گیرد. امید است که با نشاندن نقد، از نظر به عکس نسخه‌های نفیس و غیرنفیس هم محروم نگردیم.

انتشارات حکمت

در حاشیه نقد مدخل تاریخ شرق اسلامی

سر دبیر محترم

با عرض سلام و احترام، منجمله آینه پژوهش را بی‌حسب و لذت می‌برم. الحمدلله که با ذوق و کوشش شما با بهترین صورت منتشر می‌شود و لامل لنا فلیعمل العاملون

آقای غلامرضا فدائی عراقی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی و استاد

گروه آموزشی کتابداری دانشگاه تهران در مقاله خود تحت عنوان نقد مدخل تاریخ شرق اسلامی، چاپ شده در آینه پژوهش (سال دوم، شماره دوم، ص ۳۵) مرقوم داشته‌اند که مناسب بوده است که اینجانب به عنوان «همسر مترجم محترم» در مقدمه و یا در زیرنویس آن کتاب به عنوان «مدافع حریم تشیع» مطالبی در «دفاع از غرض ورزیها و تعصبات ناروای مستشرقان» بنویسم. در این مورد لازم دانستم که به نویسنده محترم یادآور شوم که اولاً ایشان به عنوان یک استاد که احاطه به کتابهای منابع و مراجع دارند، قطعاً توجه دارند که این جانب تاکنون کتاب و مقاله‌ای درباره منابع شیعه ننوشته‌ام و کار من چیزی دیگر است. ثانیاً وظیفه یک مترجم نیست که مطالبی را که از سنخ مطالب کتاب مورد ترجمه نیست، در حواشی آن بگنجانند؛ فقط اگر اشتباهی در اصل کتاب رخ داده، باید تذکر دهد. ثالثاً بنده در هنگام ترجمه کتاب در ایران نبوده‌ام و تاکنون این کتاب را به صورت کامل نخوانده‌ام. رابعاً برای معرفی منابع شیعه و دفاع از حریم تشیع، ایشان محلی بهتر از حاشیه کتاب سوازه سراغ ندارند که بر این ضرورت تأکید کرده‌اند. اینجانب هر چند که نباید برای شخص معینی تعیین تکلیف کنم، ولی ایشان که در طی مقاله خود از روی دلسوزی اشاره کرده‌اند که: «صاحب نظران بی‌غرضی باید در زمینه تاریخ اسلامی تفحص و تحقیق کنند» و «از

پژوهشگران مسلمان ایرانی انتظار می‌رفت که در باورقیها به نکات هشدار دهنده اشاره می‌کردند» و «مطالعه کنندگان این کتاب غث و سمین را بازشناسند و تذکر دهند که غریبان حقایق تاریخی را کتمان و یا تحریف نموده‌اند»، باید خود که استاد گروه کتابداری بزرگترین دانشگاه جمهوری اسلامی‌اند، مصداق همین «صاحب نظر بی‌غرض» و «پژوهشگر مسلمان» و «مطالعه کننده کتاب» باشند و به مقتضای حرفه خود، اولاً مقاله‌ای به رشته تحریر درآورند و در آن اغلاط و اشتباهات و خطاها و سهوهای سوازه را متذکر شوند و اطلاعات اضافی را که در طی دوران تدریس خود در دانشگاه درباره مراجع اسلامی به دست آورده‌اند، برای استفاده خوانندگان به آن بیفزایند. و نیز باز به مقتضای حرفه آموزشی و پژوهشی خود دامن همت به کمر بزنند و یک کتاب مستقل تحت عنوان «مرجع شناسی شیعه» تألیف بفرمایند و آن را به دنیای علم عرضه دارند تا جبران مافات بشود.

در پایان باید یادآور شد که ما باید به جای بدگویی لفظی از مستشرقان و غریبان، کار بکنیم و کار ارائه بدیم و دفاع واقعی از حریم اسلام و تشیع، در کار ارزنده ماست و این همان روشی بوده است که بزرگان سلف ما مانند مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی و علامه امینی و دهها مانند آنها در پیش گرفتند و به خوبی آن را انجام دادند و هم اکنون هم

مؤسسات و افرادی هستند که همان روش را دنبال می کنند.

جزاهم الله عن العلم خیر الجزاء

مهدی محقق

بسمه تعالی و له الحمد

مجله شریف آینه پژوهش مرتباً واصل می گردد و به مقداری که وقت اجازه می دهد، توفیق مطالعه و بهره مندی از مطالب سودمند، و بالأخص از معرفی کتب مغفول عنها از آثار نامداران شیعه مانند شهید ثانی - قدس سره العزیز - را دارم. ضمن تشکر خواستم یادآور شوم که رساله های لطیف و مختصر در کتابخانه شخصی و موروثی ما از جدّ اعلی سید محمد طارمی، معروف به سید مجتهد طاب ثراه - از آن بزرگوار موجود است. مانند رساله ای را که در شرح لعمه در باب منزوحات و تقدیرات بثر - علی ما بیالی - یادآور می شود که در ضمن کتاب مفصل، اعنی جامع المقاصد خطی ما موجود است. ممکن است با تماس با جناب حاجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد حسین الموسوی فتوکی آن رساله های نفیس را ارسال بدارد. و همان طور کتاب تمهید القواعد - در قواعد فقهیه - هر چند ظاهراً به طبع رسیده، اما احیاء آثار بزرگان، سرتاسر برکت و موفقیت است.

خدمت عموم برادران - که در تهیه این مجله زحمت را قبول نموده، از آقایان

مدیران مسؤول و داخلی و سردبیر و بقیه - تبریک تقدیم و توفیق و سعادت آنها را از درگاه قادر متعال خواستارم.

سید عزالدین زنجانی

حضور مهرانور حضرات سروران عزیز که مجله بسیار وزین آینه پژوهش را با مقالاتی درخور مطالعه و استفاده به وجود آورده و منظم و مرتب، آن را در اختیار ارباب مطالعه و ذوق قرار می دهند.

معروض می دارد از اینکه مجله ای قابل استفاده و تحقیقی در عالم مطبوعات ظهور کرده، بسیار خوشوقتیم و علت تأخیر اعلام وصول آن است که مرتب در صدد تهیه مقاله ای برمی آمدم. کثرت مشغله و تهیه مطلب برای مطبعه یا تصحیح کتاب، مانع حصول مقصود گردید تا اینکه لازم دانستم بدین وسیله اظهار تشکر نمایم. آن هم تشکر با عرض تبریک و امیدوارم مطالب مندرج در مجله متنوعتر باشد. تحقیقات در علوم قرآنی، توجه به ادبیات فارسی، و بیان اهمیت علوم انسانی در ممالک متمدن، و بیان علل انحطاط علوم انسانی در مملکت عزیز خودمان و رکود علمی و افت دانش به نحو اعم در دانشگاههای کشور و بیان علل تقدّم علوم انسانی بر سایر علوم در کشورهای که به سرعت برق در حال حرکتند و «فعال ما یشاء» در عالم، و له و لورده شدن کشورهای در حال سکون،

اگر چه صدا و نعره رادیوهای آنان نزدیک است که گوش فلک را کتر نماید، از مسائل نیازمند تحقیق است.

بنده معلم فلسفه و عرفان در دانشگاه مشهد هستم و دو درس هم هر روز در حوزه علمیه دارم. در دانشگاه سالهای دراز رسم بر این بوده و هست که دانشجویان (داوطلبان) را غربال می نمایند و آخرین نخاله آنها را به مراکز تدریس علوم انسانی رها می نمایند و قهراً معلمان نیز بتدریج همفکر دانشجویان می شوند و بعضاً (به قول عوام) آسوء حالا از شاگرد؛ که خدا عاقبت ما را ختم به خیر نماید.

امیدوارم مجله وزین شما در حدی برسد که اهمیت ادبیات فارسی، سیر تصوف و حکمت در ادب فارسی، و اهمیت تاریخ به معنای واقعی نه نقالی (که النقال کالبقال) و... را گوشزد کند و فصولی به این علوم در سطحی آموزنده اختصاص داده شود. همت فرمایید که خداوند، توفیق عطا خواهد نمود.

بنده به قدر فهم خود همکاری خواهم نمود و وجه اشتراك را حتماً خواهم فرستاد که این خود فریضه است و باید همه این کار را بنمایند.

ایام عزت سروران عزیزم مستدام باد
وفقمک الله لمرضاته

ارادتمند سید جلال آشتیانی

